



لباسی که از یک پارچه اهدایی ساخته شده یا رومیزی‌ای که از پارچه‌های قدیمی جانی تازه گرفته است، برایم معنا دارد، نه خستگی و سوزش جای سوزن! به نظر من تکه پارچه‌های قدیمی فقط یک پارچه ساده نیستند، خاطره‌اند؛ روایت‌اند که در من باعث انگیزه خلق یک اثر هنری برای درمان بچه‌ها می‌شوند.

نگاه به آینده

مهرانه آرام و پیوسته جلومی‌رود. رضایی درباره ثبت‌مهرانه می‌گوید: کارهای ثبت‌مهرانه به‌عنوان سازمان مردم‌نهاد در دست اقدام است. برگزاری نمایشگاه در سراسر ایران و حتی ارسال آثار به خارج از کشور از برنامه‌های آینده‌مان است. در خانه‌های زیادی بانوان با استعدادی هستند که مهرانه می‌خواهد این ظرفیت‌ها را شناسایی و جذب کند. سوزن دوزی، کوک دوزی، تکه‌دوزی و... از فعالیت‌های هنری است که مهرانه با کمال میل از علاقه‌مندان و کسانی که تخصص دارند و می‌خواهند در این فعالیت خیرخواهانه کنار ما باشند، استقبال می‌کند.

شادی شاملودر ادامه می‌گوید: ما گاهی می‌خواهیم برای نزدیکانمان خیراتی بکنیم، اما توان مالی نداریم. من با هنرم این خیرات را انجام می‌دهم. اتفاق که فقط پول دادن نیست!

انفاق ما گاهی هنرمان است. ما اولین گروه هنری هستیم که در حال انجام چنین فعالیتی برای درمان کودکان مبتلا به سرطانیم. در این وضعیت سخت اقتصادی با هنرمان در عملی خیرخواهانه پیشگام شده‌ایم؛ آن هم برای کودکان سرزمینمان. خوشبختانه با استقبال خوب مشتریان روبه‌رو هستیم که این بی‌شک به‌جز لطف خداوند نیست. سرطان در اقوام و آشنایان او یک تجربه نزدیک بوده است. درد فروریختن و از دست دادن را از نزدیک دیده‌است. به همین دلیل است که مهرانه برای او فروشگاه یا کارگاه نیست، بلکه جایی است که زندگی دوباره در تاروپود پارچه‌ها دوخته می‌شود.

زنان، قلب تپنده مهرانه

کیف‌های رنگارنگ و تکه‌دوزی شده با دوخت‌ها و اندازه‌های مختلف یکی از شگفتی‌های هنری در مهرانه است که دوزنده‌ان بانوانی خوش‌ذوق و



باسلیقه در مهرانه هستند. زهراراهی زوارزاده، خانه دار و مربی خنده‌درمانی است که مسئول دوخت کیف‌ها نیز هست. او می‌گوید: برای رسیدن به آرامش و احساس خوب راه‌های زیادی وجود دارد. این کیف‌ها راه ارتباطی من با قلب کودکانی است که می‌دانم برای زنده ماندن باید کنارشان باشم. هر موقع خانواده‌هایی را می‌بینم که فرزندشان مبتلا به سرطان است، قلبم آتش می‌گیرد و این فعالیت‌ها را وظیفه انسانی خودم می‌دانم. حضورم در این جمع لطف خدا و فعالیت‌م زکات سلامتی‌ام است.

بتول ثقفی، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش، می‌گوید: حس خوب این‌جا را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم. قلبم است که من را به اینجا می‌کشد. اعظم قناعتی، یکی از خیاط‌های مجموعه نیز، معتقد است که دست‌مزدش عشق است. آشنایی با افراد جدید، یادگیری بیشتر و این حس که شاید هنرشان باعث سلامتی یک کودک باشد، بزرگ‌ترین انگیزه او برای ادامه دادن است.

مریم معدنی بازنشسته آموزش و پرورش است و با مادرش زندگی می‌کند. می‌گوید: همیشه آرزوی فعالیت در کارهای خیرخواهانه را داشتم. مهرانه من را به آرزویم رساند. مادرم همیشه می‌گوید از وقتی تو به مهرانه رفته‌ای، هر وقت مشکلی پیش می‌آید، به راحتی حل می‌شود. تو چه کار می‌کنی! من هم مثل مادرم باور دارم خیر و برکت در این راه اتفاقی نیست، بلکه روزی‌ای است که قسمت‌مان می‌شود.

مثل مادرم باور دارم خیر و برکت در این راه اتفاقی نیست، بلکه روزی‌ای است که قسمت‌مان می‌شود.

در حال حاضر تیم مهرانه شامل ۲۵ بانوی نیک‌اندیش است که در هفته به نوبت در هنرکده حضور پیدا می‌کنند. با بانوانی که در این گزارش شرکت کرده‌اند به نمایندگی از این ۲۵ نفر در روز کاری خود صحبت کرده‌ایم.

